**گرامی باد بیست و ششم بهمن روز کومه‌له!**

 **بهرام رحمانی**

**bahram.rehmani@gmail.com**

**رفقای عزیزم در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له روز کومه‌له این روز عزیز را، به همه شما شادباش می‌گویم. امیدوارم روز کومه‌له امسال بار دیگر برای شما و همه ما انقلابیون و کمونیست‌ها یادآور اتحاد و همبستگی و پیکار مشترک سال‌های نخست انقلاب و نهایت تشکیل حزب کمونیست ایران باشد، روز یادآور سخنرانی‌های پرشور و انقلابی کاک فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر، جعفر شفیعی، غلام کشاورز و ... باشد. روزی که اختلافات و تفاوت‌های همدیگر را به رسمیت بشناسید و دوباره پیمان رفاقت و مبارزه متحدانه و مشترک بیندید و چه کنگره‌تان را به زودی برگزار کنید و چه عقب بیاندازید از حذف همدیگر جلوگیری کنید، انشعاب‌طلبان و انحلال‌طلبان را به حاشیه برانید و در فضای دموکراتیک و رفیقانه و با صبر و شکیبایی و تحمل به اختلافات درونی خود بپردازید و به جای انشعاب به راه‌حل‌های دیگری، از جمله تشکیل یک کمیسیون حل اختلاف بیاندیشید که اختلافات را مورد بحث و بررسی قرار دهد، آن‌ها را شفاف‌تر کند و به رسمیت بشناسد و سرانجام به تدوین یک پلاتفرم مشترک و ادامه پیکار مشترک دست یابد! هرچند که جدایی یک راه‌حل است اما آن را نباید تبلیغ و ترویج کرد چرا که اغلب نتیجه‌اش پراکندگی و تفرقه و ضعیف‌تر شدن است.**

****

**واقعیت تاریخی این است که هر حزبی، به دلیل برنامه و مشی سیاسی که متکی بر تلاش برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه و آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه طبقاتی و رفع ستم ملی و جنسیتی و تبعیض و استثمار است به شدت از تفرقه و جدایی و پراکندگی و خورده‌کاری دوری می‌جوید.**

**امروزه احزاب جدی سیاسی - اجتماعی یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود به‌طوری‌که یکی از موترین نهادهای تاثیر‌گذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی جامعه و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کند.**

**علت این‌که جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های شهروندان و سازمان‌ها و اقشار متفاوت است و درک‌شان از نیازهای طبقاتی‌شان افزایش پیدا کرده است. برای این‌که بتوانند این نیاز طبقاتی‌شان را به سیستم سیاسی و کل مدیریت جامعه افزایش بدهند به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می‌گذارند تبدیل می‌شوند. مفاهیم  توسعه سیاسی،  مشارکت مردم، حقانیت سیاسی، قانونمندی، تحمل و مدارا، نظم و ثبات سیاسی مفاهیمی هستند که نقطه تلاقی  آن‌ها ظهور احزاب و سازمان‌های سیاسی است. به علاوه هیچ دیوار چینی وجود ندارد که حزب و اعضای آن را از جامعه و شهروندان جدا کند و به همین دلیل می‌تواند در درون احزاب گرایشات متفاوتی شکل گیرد که از جنبه تاکتیکی متفاوت اما هم‌زمان از زاویه استراتژی مشترک هستند.**

**پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران و در جمهوری اسلامی ایران شاهد پیدایش احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف با آرمان‌ها و عقاید گوناگون بعد از پیروزی انقلاب بودیم. با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب نه تنها فعالیت احزاب و سازمان‌ها در ایران شدیدا سرکوب و ممنوع شده‌اند حتی هنوز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه در جامعه ایران نهادینه نشده‌اند. فراتر از همه سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی به دلیل ممنوعیت‌ها و اختناق و سانسور شدید حاکمیت بر جامعه و دور بودن از زمین اصلی مبارزه خود، دچار انشعابات پی‌در‌پی شده‌اند و اسیب‌های زیادی دیده‌اند. در نتیجه حتی در دورن حکومت اسلامی ایران، جناح‌ها نقش احزاب را بازی می‌کنند.**

**کومه‌له - یک سازمان سیاسی در کردستان ایران است که طبق برنامه خود با مشی سیاسی کمونیستی فعالیت می‌کند. این سازمان در گذشته «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران» نام داشت، اما با تاسیس حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ یکی از اصلی‌ترین موسس این حزب بود و با پذیرفتن نقش سازمان منطقه‌ای این حزب در کردستان ایران، نام خود را به «کومه‌له سازمان کردستان حزب کمونیست» ایران تغییر داد. از آن زمان تا کنون کومه‌له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با همه فراز و نشیب‌ها و ضعف و قدرت‌هایش شجاعانه در مقابل تهاجم وحشیانه جمهوری اسلامی به کردستان با جان و دل مبارزه کرده و صدها عضو و کادر خود را در این مبارزه از دست داده است.**

**در پاییز سال ۱۳۴۲ جمعی از دانشجویان کرد که تازە با مسائل سیاسی و ادبیات چپ و کمونیستی آشنا شده بودند ، در تهران دور هم جمع شدند و تشکیلاتی را بنیان نهادند کە بعدها کومەلە نام گرفت.**

**کومەلە جزو اولین جریانات چپ و کمونیستی بود کە از همان ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی، علیه این حکومت وحشی و آدم‌کش و هم‌چنین کردهای حامی آن، دست به اسلحه برد.**

**این سازمان تا ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ و بە مدت ۹ سال بە صورت مخفیانە فعالیت کرد و در این مدت در بسیاری از دهات‌ها و شهرهای کردستان و در اکثر مراکز صنعتی و دانشگاهی در سراسر ایران، توانستە بود نفوذ کند و به صورت یک تشکیلات نسبتا منسجم و در عین حال گستردە درآید.**

**در روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ محمد حسین کریمی کە یکی از بنیان‌گذاران کومەلە بود در جریان تصرف شهربانی شهر سقز، زخمی شد و دو روز بعد جان باخت. بە همین دلیل تشکیلاتی کە تا آن زمان به صورت مخفی و با نام تشکیلات فعالیت می‌کرد، تصمیم گرفت برای زندە نگه‌داشتن نام وی، این روز را بە عنوان روز فعالیت علنی تشکیلات کومەلە نام‌گذاری کند.**

**کومه‌له فعالیت خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرده است علنا خود را چپ و کمونیست تعریف می‌کرد.**

**کادرهای «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران»، که به کومه‌له معروف شد، تا پیش از انقلاب و حتی در ماه‌های اول انقلاب تحت عنوان جمعیت‌ها و تشکل های مردم‌نهادی فعالیت می‌کردند. آن‌ها از اعضای تعین‌کننده‌ نهادهایی مانند اتحادیه خواستاران حقوق خلق کرد در ایران در مریوان، جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد در سقز، جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد در بوکان، ستاد مشترک نیروهای دمکراتیک مهاباد. در مهاباد دو جمعیت فعال بودند: یکی ستاد مشترک نیروهای دمکراتیک و دیگری جمعیت راه رهایی زحمتکشان. جمعیت مبارزین راه آزادی و مدافع حقوق ملی و دمکراتیک خلق کرد در بانه، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب، در سنندج عوامل و بسترهای تشکیل این جمعیت‌ها در هر شهری متفاوت بود. جوانان جمعیت آزادی و انقلاب، زنان شورای زنان، معلمان شورای معلمان را تشکیل دادند. در مدت زمان کمی یعنی از اولین روزهای بعد قیام شروع شد.**

****

**کاک صدیق کمانگر، از رهبران کومه‌له که از وی به عنوان ایده‌پرداز اصلی جمعیت‌های کردستان یاد می‌شود در یکی از آخرین سخنرانی‌های قبل از ترورش در سال ۱۳۶۲، اندک زمانی پس از تشکیل کنگره‌ حزب کمونیست ایران، گفته است: «در سنندج حاکمیت چندگانه وجود داشت. جمعیت در کارهای اجرائی دخالت می‌کرد. بسیاری از کارهای مربوط به دادگستری را ما انجام می‌دادیم.  به طور دوفاکتو طوری شده بود که دادگستری نامه‌ها و ابلاغیه‌های ما را به‌رسمیت می‌شناخت. پلیس راه هم اگر چه ظاهرا سر جای خود بود، اما عملا کارها را ما انجام می‌دادیم. نفوذ زیادی بین مردم داشتیم. مسئله‌ مصادره‌ زمین توسط مردم که در جریان قیام شروع شده بود، بعد از روزهای قیام ادامه پیدا کرد و مورد پشتیبانی جمعیت قرار گرفت. در تمام ادارات، از بیمارستان گرفته تا اداره‌ دارائی و به‌ویژه اداره‌ کار ما می‌توانستیم در کارها دخالت بکنیم. استانداری به نحوی دوباره دایر شد، ولی قدرتش در دست ما نبود.»‌‌(صدیق کمانگر، ۱۳۶۲)**

**این جمعیت‌ها که به مرور به جریان‌‌های اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کردستان تبدیل شدند به فاصله‌های زمانی کوتاه، بعد از انقلاب یکی بعد از دیگری اعلام موجودیت کردند. با وجود ارتباط نزدیکی که بین آن‌ها وجود دارد، اما شرایط عضویت، شیوه کار و ساختار سازماندهی آن‌ها در هر شهر متفاوت است. میزان مشارکت زنان و مردان در جمعیت‌ها و کارهای اجرایی و آموزشی شهرها هم یک‌سان نبوده است.**

**انقلاب فضای مناسب‌تری برای فعالیت زنان فراهم کرد. زنان در سنندج، مریوان، سقز وارد انجمن‌ها،‌ اتحادیه‌ها،‌ جمعیت‌ها، کانون‌ها و شوراهای شهرها شدند.**

**كۆڕی ئافره‌تانی تێكۆشه‌ری سه‌قز‌(جامعه‌ زنان مبارز سقز» از جمله‌ این تشکل‌هاست و طبق اساس‌نامه این جامعه: «بررسی مشکلات زنان روستا و زنان کارگر و خانه‌دار، آموزش تئوریک اعضا در زمینه‌ فلسفه‌ تاریخ و اقتصاد، سوادآموزی زنان بی‌سواد، ارتباط با سایر جمعیت‌های زنان مبارز و مترقی و کوشش در جهت ایجاد تشکیلات سراسری زنان، مبارزات صنفی در جهت تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و پس از زایمان، ایجاد مهد کودک و نگه‌داری کودکان زنان شاغل و به خصوص زنان کارگر و زحمت‌کش. تشکیل شوراهای محلی زنان، کوشش در راه ایجاد کلاس‌های آموزش نظامی.»‌(خیزش زنان، ص ۴۷۳)**

**اساس‌نامه این جامعه در روزنامه آیندگان به شرح زیر انتشار یافته بود:**

**«قیام مسلحانه ۲۰ تا ۲۱ بهمن‌ماه اگر چه توانست پیروزی‌هایی نصیب خلق قهرمان ایران نماید ولی به علت عدم سازماندهی مبارزات حق‌طلبانه نتوانست به پیروزی نهایی دست یابد و کلیه‌‌ ریشه‌های ارتجاع را بر کند و دست امپریالیسم را به کلی از مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایران قطع گرداند. لذا برای خنثی‌نمودن کلیه توطئه‌های ارتجاع و ادامه‌ مبارزات و به ثمر رساندن آن تا آزادی کلیه‌ نیروهای زحمتکش و لغو استثمار فرد از فرد، زنان مبارز سقز تشکل خود را در جمعیتی به نام زنان مبارز سقز اعلام می‌دارد، اهداف جامعه عبارتند از:**

**۱. تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل جمعیت‌های سیاسی، مذهبی، صنفی برای همه‌ طبقات و اقشار مردم. آزادی کامل مطبوعات، بیان، تبلیغات، آزادی اعتصابات و تظاهرات، آزادی آموزش نظامی.**

**۲. تشکیل شوراهای کارگری که ناظر بر امر تولید و توزیع کالاهای کارخانه باشند.**

**۳. تشکیل شوراهای دهقانی و نظارت آن بر امر اصلاحات ارضی و تقسیم زمین به نسبت اعضای خانواده‌ دهقانان.**

**۴. خودمختاری و حق تعیین سرنوشت برای تمام خلق‌های ایران در چارچوب ایران آزاد و دموکراتیک**

**۵. برابری زنان و ...»(آیندگان، شنبه ۵ خرداد ۱۳۵۸، ص ۵)**

**فعالیت زنان هوادار کومه‌له و برخی دیگر از جریان‌های چپ در سال‌های آغاز انقلاب در نهادهای دمکراتیک نقش پررنگی داشت.  اما اعضا و فعالین کومه‌له هسته‌ اصلی بسیاری از این نهادها بودند و عملا در پیش‌برد اهداف انقلاب ۵۷ نقش خود را ایفا کردند و مردم را در «مناطق آزاد شده» به ایجاد «شوراهای دمکراتیک» فرامی‌خواند. طبق تعریف این شوراها باید همه‌ امور زندگی مردم، از قبیل قضاوت و رسیدگی به اختلافات،‌ اقدامات اقتصادی و عمران و آموزش و پرورش، بهداشت و درمان،‌ مسئله ارضی و… را برعهده داشتند.**

**در مقدمه‌ یکی از کتا‌ب‌های درسی که کومه‌له در آغاز انقلاب برای مقطع ابتدایی مدارس کردستان به زبان‌های کردی و فارسی تدوین کرد از «آموزش و اشاعه‌ علوم و فرهنگ علمی و انقلابی و مبارزه با فرهنگ ارتجاعی و خرافی: آموزش توده‌های کارگر و زحمتکش  و فرزندان آن‌ها با اصول دموکراسی پیگیر» به عنوان یکی از اهداف کمیسون آموزش کومه‌له یاد شده است.‌(کمیسیون آموزش کومه‌له، ۱۳۶۲).**

**با سرکوب انقلاب ۵۷، جریا‌ن‌های چپ سراسری راهی کردستان شدند. برخی از آن‌ها مانند حزب توده و چریک‌های فدایی خلق شاخه‌ کردستان داشتند و رسما به فعالیت سیاسی می‌پرداختند.‌(البته حزب توده ایران و سازمان چریک‌های خلق ایران‌‌-اکثریت تا سال ۱۳۶۲ با جمهوری اسلامی همکاری داشتند)**

**نیروهای دیگری مانند اتحاد مبارزان کمونیست، سازمان پیکار، اتحادیه‌ کمونیست‌ها، حزب کارگران سوسیالیست، سازمان رزمندگان نیز در کردستان بعد از انقلاب حضور داشتند. بیش‌تر این نیروها به جز آن‌ها که در حزب کمونیست ایران ادغام شدند، بعد از اعلام جنگ کردستان و تصرف دوباره شهرها، از کردستان ایران به ناچار راهی خارج کشور شدند.**

**طرح کومه‌له در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی سازمان‌دهی مقاومت مردمی و مباررزه مسلحانه بود. در واقع طرح‌ کومه‌له بر خلاف حزب دمکرات مشارکت در قدرت، مذاکرات یک طرفه و تدوین قانون اساسی نبود چرا که رهبری حزب دموکرات کردستان راه سازش با حکومت مرکزی را در پیش گرفته بود.**

**حرکت اعتراضی مردم مریوان، یک واقعه تاریخی بود. از کاک فواد مصطفی سلطانی به عنوان معمار کوچ مریوان یاد می‌شود. وی در یکی از سخنرانی‌هایش با تاکید بر دستاوردهای کوچ اعتراضی، از جمله به «اتحادی» اشاره کرده که به گفته‌ وی تا آن‌زمان در جامعه‌ کردستان بدون سابقه بوده است. کاک فواد می‌گوید: «شما توانستید با این اقدام خود حمایت خلق‌های ایران را به سمت خود جلب کنید. این حمایت‌ها از این به بعد ادامه خواهد داشت. حتما در رسانه‌ها خوانده‌اید که مردم سیستان و بلوچستان، از آن سوی ایران، در راه حمایت از ما فدارکاری کرده‌اند که نباید هرگز فراموش کنیم.» وی سپس در خطابه‌ مستقیم خود با مردم از ناچار شدن دولت به «به رسمیت شناختن شورای شهر مریوان» به عنوان یکی دیگر از دستاوردهای کوچ یاد می‌کند. «سرکوب نیروهای مزدور محلی» و «جلوگیری از تکرار وقایع گنبد کاووس، خرمشهر، نقده و …» از جمله‌ دیگر مواردی هستند که کاک فواد با مردم مریوان به عنوان اصلی‌ترین دستاوردهای این اعتراضی در میان گذاشت بود.**

**اعتصاب غذای ۲۴ روزه‌ زندان شهربانی سنندج به ابتکار فواد مصطفی‌سلطانی و برخی دیگر از زندانیان و حمایت مردمی از آن در تیرماه ۵۷ یک نمونه‌ دیگر از سازماندهی‌هاست. جمع‌آوری، تهیه‌ مواد و نیروی پزشکی و اعزام آن‌ها به مقاومت ترکمن صحرا، جمع‌آوری کمک از سوی اتحادیه‌ دهقانان مریوان و اعزام نیرو به «دهقانان رانده‌شده منطقه‌ سوما و برادوست»، تحصن و اعتصاب گسترده مردم سنندج برای خروج پاسداران از شهر در بهمن ۵۸، حمایت ۷۰۰ کارگر سد قشلاق سنندج و حمایت کارمندان، نهادهای دمکراتیک و سر آخر کسبه و بازاریان و اعلام اعتصاب عمومی و اشاعه‌ آن به دیگر شهرهای کردستان نمونه‌ دیگری از سازماندهی‌های دمکراتیک مردمی بعد از انقلاب است که کومه‌له، و نیروهای چپ در سازمان‌دهی و هدایت آن نقش تعیین‌کننده داشتند.**

**کومه‌له با فراهم کردن زمینه‌ ورود مستقیم زنان به عرصه‌ مبارزات سیاسی و مسلحانه جنبه‌های مختلف مبارزاتی جامعه‌ کردستان ایران را دگرگون کرد. کاک صدیق کمانگر بعدها در توضیح مقاومت نوروز خونین سنندج گفته است: «پادگان در مقابل مردم تیراندازی کرده است و ما به عنوان شورای موقت انقلاب از مردم حمایت کردیم و بس. گفتیم که قیام کردیم که آزادی و دموکراسی داشته باشیم، الان مورد یورش قرار گرفته‌ایم، ما داریم از قیام و آثار قیام دفاع می‌کنیم.»‌(صدیق کمانگر، ۱۳۶۲)**

**از جملە فعالیت‌های برجستە کومەلە در عرصه مبارزه مسلحانه علیە جمهوری اسلامی می‌توان بە موارد زیر اشاره کرد:**

**سازماندهی و رهبری جنگ خونین نوروز ۱۳۵ سنندج که بە رهبری کادرهای شناختە شدە کومەلە نظیر صدیق کمانگر و ایوب نبوی و فرماندهی فرماندە مشهور کومەلە، محمد مائی(کاک شوان) انجام شد و طی آن مردم بیی‌گناه زیادی جان خود را از دست دادند.**

**کوچ تاریخی مردم مریوان بە رهبری فواد مصطفی سلطانی، با هدف تحت فشار قرار دادن نیروهای مسلح و دولت موقت.**

**به راه انداختن مقاومت خیابانی شهر پاوه علیه نیروهای جمهوری اسلامی.**

**حمله به بزرگ‌ترین لشکر زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جادە با نه - سردشت به فرماندهی شپهبد صیاد شیرازی.**

**مسلح کردن زنان و شرکت دادن آن‌ها در جنگ‌های پارتیزانی و کارهای سیاسی در سال ۱۳۶۱ کە بدین ترتیب کومەلە به اولین جریان سیاسی و نظامی تبدیل شد کە تا آن زمان در سطح خاورمیانە به صورت رسمی زنان را وارد عرصە فعالیت نظامی کرد.**

**کومەلە در عرصە فعالیت مدنی و جمعی و شوراهای مردمی هم نقش برجسته‌ای داشت. اولین شوراهای شهر و شورای محلات‌(بنکەها) در شهر سنندج با سازماندهی کومەلە تشکیل شد.**

**تشکیل اتحادیە دهقانان کە کاک فواد مصطفی سلطانی خود ایده پرداز و مسئول سازماندهی آن در روستاهای مریوان بود و بعدها کادرهای کومەلە در مناطق روستایی شهرستان‌های سقز، کارمیاران و بانه در استان کردستا، بوکان، سردشت و اشنویه در استان سردشت و اشنویه در استان آذربایجان غربی‌(هم این اتحادیەها را برپا کردند و یکی از وظایف این اتحادیەها برچیدن آخرین بازماندگان اربابان و زمین‌داران وابستە بە حکومت پهلوی و هم‌چنین تقسیم این اراضی افراد بین مردم آبادی ها بود.**

**تشکیل اتحادیە و شوراهایی مانند:**

**اتحادیە بیکاران**

**شورای معلمان**

**شورای زنان**

**شورای دانش اموزان**

**اتحادیە هنرمندان**

**و موارد دیگر که تنها بخشی از فعالیت‌های پرافتخار کومەلە در عرصه فعالیت های فرهنگی و سیاسی بود.**

**کومەلە بە همراە سازمان اتحاد مبارزان کمونیست‌(سهند)، آن بخش نجات یافتە از ضربات پاسداران اسلامی‌(سازمان پیکار)، جمعی از کادرهای چریک‌های فدایی خلق و چندین گروە بزرگ و کوچک چپ و کمونیستی دیگر، بعد از هشت ماە مذاکره، سرانجام در روز ۱۱ شهریور ۱۳۶۲ حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند. و کومەلە بەعنوان یکی از ستون‌های اصلی این حزب و بە نام جدید سازمان کردستان حزب کمونیست ایران‌(کومەلە) و با حفظ رهبری و چارت تشکیلاتی خود تا آن زمان بە فعالیت خود در این حزب ادامە داد وتا امروز هم هم‌چنان بە این مسئولیت خود پایبند بودە و آن را ادامه داده است.**

**حزب کمونیست ایران، قبل از انشعاب اول در سال ۱۹۹۱ بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین حزبی به شمار می‌رفت که توانسته بود در زمان خود، بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کارگری فعال باشد.**

**سوسیالیسم به مثابه آلترناتیو سرمایه‌داری در جهان ذهنی اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران و تحولات تاریخی جهان نقشی بسیار اساسی داشت و این سیاست در جلب کارگران و فعالین سیاسی از جمله عوامل موجب رشد حزب و نفوذ آن در سپهر سیاسی جامعه ایرانی شد.**

**اما با پایان جنگ ایران و عراق و عقب‌نشنی از شهرهای ایران و پایان مبارزه مسلحانه در کردستان و سرکوب شدید و وحشیانه جمهوری اسلامی ایران سبب شد که حزب و کومه‌له ناچار به اردوگاه‌نشینی در مرزهای ایران شود و این عوامل سبب شدند اختلافات درونی حزب بالا بگیرد و به انشعاب فراکسیون کمونیست کارگری از حزب کمونیست ایران و کومه‌له گردد. از تاریخ تاکنون این جریان سوسیالیستی بارها دچار انشعاب شده است.**

**یک مسئله مهم و فراموش نشدنی دیگر در تاریخ حزب کمونیست ایران و کومه‌له روزهای چهارم، نهم و سیزدهم شهریور است. یادآور سه واقعه مهم در حیات سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست ایران است که در این روزها سه تن از رهبران برجسته خود را از دست دادند.**

**نهم شهریور ماه سال ۱۳۵۸ رفیق فواد مصطفی سلطانی یکی از رهبران و بنیان‌گذاران کومه‌له، چهره شناخته شده و محبوب جنبش کمونیستی ایران و کارگران کردستان، به دنبال یک درگیری نابرابر با شمار زیادی از نیروهای جمهوری اسلامی در روستای «بسطام» در مسیر جاده سقز- مریوان، جان باخت.**

**شبانگاه چهارم شهریور ماه سال ۱۳۶۸ رفیق «بهمن جوادی»‌(غلام کشاورز)، از چهره‌های برجسته و سرشناس جنبش کمونیستی ایران، که برای دیدار مادر و سایر بستگانش به «قبرس» رفته بود در شهر «لارناکا» مورد سوء‌قصد تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان جان باخت. رفیق غلام کشاورز از انقلابیون با سابقه، از چهره های شناخته شده مقاومت در زندان‌های رژیم شاه، از اولین کادرهای سازمان اتحاد مبارزان کمونیست، و سپس یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایران و از کادرهای برجسته حزب بود که طی دوره فعالیت خود در حزب کمونیست مسئولیت های متعددی از جمله عضویت در کمیته مرکزی  را بر عهده داشت.**

**ساعت ۲ بامداد روز سیزدهم شهریورماه سال ۱۳۶۸ رفیق صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی کومه له، در اقدامی جنایت‌کارانه توسط یک خائن و مزدور جمهوری اسلامی مورد سوءقصد قرار گرفت و جان باخت.**

**در پایان لازم است که بار دیگر تبریکات صمیمانه خودم را به مناسبت چهل و دومین سالگرد اعلام موجودیت علنی کومه‌له به رفقایم در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له و هم‌چنین دوستداران این جریان و مردم انقلابی کردستان اعلام کرده و یاد رفیق محمد‌حسین کریمی و هم‌چنین یاد رفقا فواد و صدیق و غلام و جعفر شفیعی، فرشته رضایی‌(زهره)، ثانيه بهرامی، عطیه‌ شریفی‌(گزان)، صبری دوستکامی‌( آرزو)، رضوان احمدزاده، عزیزه اعظمی زیور رشیدی‌(زیبا) و هم‌چنین رفقای جان‌باخته گردان ۲۸ ارومیه و گردان شوان و همه جان‌باختگان صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران و تمامی جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی بدارم!**

**پنج‌شنبه بیست و سوم بهمن ۱۳۹۹ - یازدهم فوریه ۲۰۲۱**

**یادشان گرامی باد!**